انترناسیونال ۷۱۸

کاظم نیکخواه

**"آخوند آمریکائی"**

کار اختلافات و نزاعهای درونی حکومت باز دارد به جاهای باریک میکشد. در تظاهرات روز قدس حکومتی تندترین شعارهایی که ممکن بود علیه حسن روحانی رئیس جمهور حکومت اسلامی داده شد. روز جمعه دوم تیر که روز قدس جمهوری اسلامی بود عده ای دور روحانی را گرفتند و شعار میدادند "روحانی بنی صدر پیوندتان مبارک" و "مرگ بر آخوند آمریکائی" و "مرگ بر منافق". این شعارها در مقابل چشم بالاترین مقامات حکومت اسلامی علیه رئیس جمهورشان داده شد. فضا به حدی متشنج شد که محافظان روحانی او را سوار اتومبیل کردند و فراری دادند. بنا به برخی گزارشها بعد از فرار روحانی هم شعار دادن علیه روحانی ادامه پیدا کرده است.

این شعار دادنها روشن است که از طرف عده ای خودسر نیست بلکه در ادامه حرف خامنه ای است که در حضور روحانی و سران سه قوه جمهوری اسلامی گفت "نباید اجازه دهیم که جریان بنی صدر تکرار شود". بعد هم چند روز بعد خطاب به دانشجویان حزب اللهی گفت وقتی که مسئولین کارشان را اشتباه انجام میدهند شما "آتش به اختیارید".

اینها همه سیگنالهایی واضح به اراذل و اوباش حکومتی برای شروع حمله بود. و آنها هم از همان زمان به اشکال مختلف حملات را تشدید کرده اند. رسانه های جناح خامنه ای پر است از حملات و انتقادات تند به روحانی و دولتش.

اینجا قصد مرور تمام کشاکشهای درون حکومت و تاریخچه آنرا ندارم. بلکه میخواهم بپرسم داستان چیست؟ اختلافات خامنه ای و روحانی بر سر چیست؟ چرا که کار به این حد از تقابل رسیده است؟ اینها بر سر چه چیزی اختلاف دارند؟

حتما میگویید "برجام" یعنی توافقات اتمی. شاید بشود این طور گفت. اما روحانی بارها با فاکت و شواهد گفته است که برجام با توافق و چراغ سبز خامنه ای صورت گرفت. خود خامنه ای در تمام مراحل برجام و توافقاتش حرفش را زد و با صلاح و مصلحت و تایید او بود که توافقات صورت گرفت.

شاید دلیلش تمایل روحانی به سازش با آمریکا و غرب تلقی شود. اما در این زمینه هم دولت روحانی بدون اجازه و تمایل خامنه ای آب نمیخورد. هیچ حرکتی در این رابطه بدون توافق خامنه ای صورت نگرفته است.

پس مساله چیست؟ جواب را باید در انتظاراتی که همگی از "برجام" داشتند و به آن نرسیدند جستجو کرد. در بن بست سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی که فکر میکردند گره آنرا برجام باز میکند و نکرد. سران حکومت از خامنه ای تا پاسداران و بقیه مشتاق بودند که با غرب به توافق برسند و مشکلاتشان حل شود. انتظار و امید داشتند که با عقب نشینی بر سر مساله اتمی و مذاکرات و سازش با آمریکا، رابطه غرب با جمهوری اسلامی عادی میشود، سیل سرمایه گذاری های بین المللی به سوی ایران سرازیر میشود، انزوای بین المللی حکومت تمام میشود، و در نتیجه مشکلات عمیق اقتصادی حل خواهد شد. هیچکدام از این انتظارات به وقوع نپیوست. چند میلیارد پول اولیه را گرفتند و آقازاده ها و آخوندهای مفتخور حکومتی بالا کشیدند و تمام مشکلات نه فقط بر سر جای خود باقی ماند بلکه بدتر از قبل شد. اقتصاد ورشکسته تر شد و سرمایه گذاری جدی ای صورت نگرفت. انزوا و رسوایی بین المللی جمهوری اسلامی بیشترشد. فشار اعتراضات اجتماعی نیز افزایش یافت. به این ترتیب آینده جمهوری اسلامی بویژه با احتمال مرگ خامنه ای، بیش از پیش در پرده ابهام فرو رفته و در خطرجدی قرار گرفته است. کابوس آخوندهای بالای حکومتی اینست که این حکومت چگونه چهار صباح دیگر دوام خواهد آورد. نمیشود در شرایط بن بست سیاسی و ورشکستگی اقتصادی و روی دریای نفرت عمومی صرفا با سرکوب و خفقان دوام آورد. هر کسی که ساده ترین منطق اجتماعی را بفهمد به شما خواهد گفت که این حکومت دوام نخواهد آورد.

معنای این حرف اینست که تاریخ مصرف روحانی برای راس حکومت تمام شده است. روحانی نه توانسته است بحران اقتصادی را حل کند، نه توانسته است فضای اعتراضی جامعه را ساکت کند نه توانسته است انزوای جمهوری اسلامی را کاهش دهد. در نتیجه حکومت اسلامی هم با ورشکستگی اقتصادی دست و پنجه نرم میکند، هم اعتراضات کارگران و معلمان و دانشجویان و زنان و جوانان افزایش یافته است، و هم در سطح بین المللی این حکومت منفور و بشدت زیر فشار است.

این منشاء اساسی گر گرفتن دوباره نزاعها و کشاکشهاست. حتی موشک پرانی به سوی سوریه بقول حسین شریعتمداری نماینده خامنه ای، مصرف داخلی دارد نه هدف مقابله با دشمن خارجی. شریعتمداری علنا اعلام کرد که یک مخاطب موشک پرانی به سوریه روحانی بوده است. به این ترتیب این نزاع و کشاکشها بدون تردید حادتر و عمیق تر خواهد شد. طرفداران روحانی هم دست به حمله متقابل خواهند زد و اوضاع بتدریج متشنج تر و حادتر خواهد شد. در جواب خامنه ای مطهری گفته است آتش به اختیار دو طرفه است! در واقع خامنه ای هم چندان وضع بهتری ندارد. او رهبر حکومتی است که کل حکومتش به پایان خط سیاسی و اقتصادیش رسیده است و هرروز قوانین و سنت و مقدساتش توسط بخشهای مختلف مردم زیر پا گذاشته میشود. ضعف موقعیت خامنه ای باعث میشود که جناح روحانی نیز محکم تر در مقابلش بایستد و تعرضات را بدرجاتی پاسخ دهد.

بهر رو جنگ داخلی اینها حتما افت و خیز خواهد داشت اما یک ریز عمیق تر و حادتر و خصمانه تر خواهد شد. نکته مهم اینست که اگر مردم هوشیار نباشند ترکش این جنگ مردم را هم خواهد گرفت. جریاناتی طبق معمول تلاش میکنند مردم را به سیاهی لشکر این جناح و آن جناح در این کشاکشها تبدیل کنند. باید روشن و شفاف در برابر این نوع تلاشها و سیاستها ایستاد و آنرا افشا کرد. نباید بگذاریم هیچ بخشی از مردم بار دیگر بدنبال جناحهای حکومتی بیفتند. مبارزه کارگران و معلمان و دانشجویان و بخشهای مختلف مردم برای آزادیهای سیاسی و خواستهای مستقل و ملموس خویش و زیر فشار قرار دادن کل حکومت تنها راهی است که میتواند جنگ داخلی حکومت را به نفع مردم تمام کند. تکلیف نهایی اوضاع را خیزش مردم علیه کل حکومت و جناحهایش قطعی خواهد کرد. این نکته اساسی ای است که ما باید توده مردم را به آن مجهز کنیم و اجازه ندهیم که ذره ای خوش خیالی به جناحهای این حکومت در میان مردم جایی باز کند.